

تاسیس يك دنیای فرهنگ قلب بر اساس عشق راستین

رورند سان میانگ مون
مؤسس فستیوال فرهنگی ورزشی - دهم ژولای دوهزار و سه



سران دولتی اسبق و حاضر، رهبران برجسته‌ی مذهبی، رهبران زمینه‌های مختلف از کشورهای مختلف دنیا، جوانان نماینده‌ی مذاهب بزرگ دنیا، خانمها و آقایان:

من صمیمانه از شما بخاطر حضور در نهمین فستیوال فرهنگی ورزشی در کشور کره خوش‌آمد می‌گویم. شبه جزیره‌ی کره زادگاه من و همچنین مکانی است که در آن خدا مرحله‌ی نهائی مشیت بازسازی (مشیت رستگاری) را به ارمغان خواهد آورد.

از زمانی که يك پسر نوجوان بودم، تجربیات شگفت‌انگیز روحی داشته‌ام که به من توانائی داد تا بتوانم خدا را بشناسم و با عیسی و دیگر مقدسین گفتگو و تشریح مساعی داشته باشم. من از طریق تجربیات روحی به عمق قلب خدا و خواست او راه یافته و راه بهشتی و مسیر اصیل زندگی بشری را آزموده‌ام.

زندگی بشری با مرگ جسمی بر روی زمین به پایان نمی‌رسد. در دنیای بهشتی، بعبارت دیگر دنیای روح، مقدسین، حکیمان و تمامی اجداد ما بعنوان وجودی روحی، که شکلی از حیات بشری با نظم و الیتر از نظم بدن جسمی است به زندگی ادامه می‌دهند. در مقایسه با دنیای بنیادین آفریده شده توسط خداوند که دنیایی لایتناهی و ابدی است، جهان طبیعت که بدن جسمی ما در آن ساکن است چیزی جز يك بخش يك دقیقه‌ای بیش نیست.

دنیای روح، دنیای ابدی است، همچنین بنیادین و اساسی و در مقام زوج فاعلی در برابر دنیای واقعیت می‌باشد. من با فداکاری و صداقت بسیار در جهت باز یافتن اصول مشترک و بهم پیوسته‌ی بین دنیای روح و دنیای جسم که بواسطه‌ی سقوط بشر از یکدیگر جدا شده بودند، تلاش فراوان داشته‌ام. این امر برآستی و وظیفه‌ای خطیر بود که انجام آن بدون تاسیس شرطهای مقتضی بر روی زمین و در دنیای روح، امکان پذیر نبود. اخیراً من با توجه به خواست خدا، قادر هستم که با ارسال دستورالعمل‌ها از طریق واسطه در دنیای روح کار کرده و پاسخ مناسب و دقیق این دستورالعمل‌ها را از طریق گزارشات درباره‌ی موقعیت واقعی آنجا دریافت کنم. شگفت‌انگیزتر آن است که نمایندگان پنج مذهب بزرگ جهانی در يك مکان گرد هم جمع آمده و اعلام می‌کنند که خدا والدین بشریت می‌باشد، اعلام می‌کنند که من نجات دهنده و مسیح موعود بشری هستم، تصدیق می‌کنند که اصل الهی نهضت هماهنگ، پیام صلح برای نجات بشریت می‌باشد، تصدیق می‌کنند که اتحاد صلح‌آمیز جهان هستی از طریق عشق راستین همراه با "زندگی برای خاطر دیگران" در ورای سطوح مذهبی، ملی و نژادی تکمیل خواهد شد. بعلاوه آنها اعلام می‌کنند که با ملازمت به والدین راستین خود را برای تاسیس پادشاهی بهشتی و صلح جهانی، هماهنگ و متحد ساخته و پیشکش خواهند کرد.

این پدیده‌ها همزمان با شروع هزاره‌ی نوین در دنیای روح شکل گرفت. خواست خدا در مشیت بازسازی از طریق عهد قدیم، عهد جدید و عهد تکمیل شده گسترش پیدا کرده است، ولیکن من اکنون برای به انجام نهائی آن در طی نسل کنونی، برای تمامی این دوره‌ها غرامت پرداخت می‌کنم. به همین دلیل، ارواح خوب در دنیای روح متمرکز بر

پنج مقدس بزرگ به این چیزها شهادت داده و فعالانه همکاری می‌کنند. دنیای روح، دنیای بنیادین و در مقام زوج فاعلی در برابر دنیای جسمی است، به همین سبب، هر آنچه را که در آنجا روی بدهد، بطور حتم بر روی زمین تأثیر خواهد داشت. شکل‌گیری پدیده‌های روحی بسیاری آغاز شده است و اعلامیه‌های بسیاری با محتویات مشابه همراه با افزایش فرکانس آن بوجود آمده است. فستیوال فرهنگی و ورزشی بر اساس افکار بشری شکل نگرفته است. انگیزه‌ی آن در خواست خدا نهفته است و با همکاری و حمایت کامل دنیای روح اداره می‌شود. این مراسمی برای ارائه‌ی قهرمانی عشق راستین به خداوند می‌باشد.

من از شما می‌خواهم تا بخاطر بسپارید که تمامی اجداد خوب رهبران مذهبی و شرکت کنندگان این فستیوال، از دنیای روح پیامهای گرمی‌بخش خودشان را بسوی شما می‌فرستند. یکی از وظایف مهم مذاهب آن است که به مردم، در باره‌ی دنیای روح بدرستی آموزش بدهند. اگر مردم بدرستی درباره‌ی خدا و دنیای روح آگاهی داشته باشند، به ندای الهی پاسخ مثبت داده و با امید و سرسپردگی مسئولیت خود را به انجام رسانده و کامل خواهند شد.

در عصر حاضر، بسیاری از کشورها درک می‌کنند که امنیت کشورشان موضوعی نیست که تنها توسط آن کشور مورد توجه قرار گرفته باشد. هیچ کشوری در دنیا از موضوعات بین‌المللی چون جنگ، ترور، و تهدیدات سلاحهای اتمی در امان نیست. رهبران جهانی باور دارند که هماهنگی و همکاری بین مذاهب برای ایجاد صلح جهانی يك ضرورت است و این موضوع بدنبال رویداد یازدهم سپتامبر شدیدتر شده است. من در طی پنجاه سال گذشته درباره‌ی درگیری‌های مهیب و جنگ در میان مذاهب اخطار دادم، و اکنون سرانجام مردم جدیت این مسائل را درک می‌کنند. مصالحه و همکاری بین مذاهب شرط لازم برای ایجاد صلح جهانی است. پدیده‌هایی چون فستیوال فرهنگی ورزشی در نظر دارند تا صلحی پایدار بین مذاهب بیافرینند.

رهبران جهانی، مخصوصاً رهبران مذهبی باید اهمیت نسب خونی راستین مردم را بدرستی درک نموده و آن را آموزش بدهند. خواست خدا در آفرینش اولین مرد و اولین زن در مقام اجداد بشری این بود که هر کدام از آنها در عشق راستین کامل شده و با به ارمغان آوردن رابطه‌ی متقابل سالم و ایده‌آل شوهر و زن، خانواده متمرکز بر خدا را بوجود آورند. قرار بود تا در این مسیر، بازماندگان آنها بعنوان مردم خدا تکثیر یابند.

اولین اجداد بشری در تکمیل اولین خانواده‌ی شکل گرفته از برکت ازدواج خدا شکست خوردند. آنها به قیمت مقید شدن به عشق دروغین شیطانی سقوط کرده و از باغ عدن رانده شدند. در نتیجه، آنها خانواده‌ای بوجود آوردند که هیچگونه رابطه‌ای با عشق راستین خدا نداشت. بشریت در نیل به مقام پسر و دختر خوبی، شوهر و زن خوبی، و والدین خوبی در برابر خدا شکست خوردند. به همین دلیل، سرچشمه‌ی آنها در والدین دروغین و اجداد دروغین نهفته بوده و از طریق انتقال نسب خونی دروغین بازماندگانی پلید را تکثیر کردند.

اولین اجداد بشری در انتقال عشق راستین، زندگی راستین و نسب خونی راستین خدا شکست خوردند. تقدیر آن است که بشریت بازمانده از اجداد دروغین، باید برای بازیافتن خانواده‌ی راستین مورد نظر خدا با عشق راستین تلاش بسیار داشته باشند. عشق راستین، زندگی راستین و نسب خونی راستین، همگی مهم هستند اما در میان آنها نسب خونی راستین ارزش خاصی دارد، زیرا منتقل کننده‌ی زندگی يك فرد و مرتبط کننده‌ی نسلی به نسل دیگر است.

شما نمایندگان جوانان که در ورای مرزهای ملی مذهبی در اینجا گرد هم آمده‌اید، شما مهمترین شرکت کنندگان فستیوالی هستید که در پی تاسیس دنیای تازه‌ی فرهنگ عشق راستین قلب می‌باشد. شما از چیزهایی برخوردار هستید که بسیار با ارزش می‌باشند. شما دارای ارزشهایی چون جوانی، شور و حرارت، پاکي، روحی پرهیزکار، و شجاعت هستید که نزدیکی خاصی به طبیعت و سرشت خدا دارند. به همین خاطر خدا خواهان بودن با شما است. شما باید از قلب و روح گشاده‌ی خود برای رفتن به ورای مرزهای انحصار، انزجار، ناسازگاری، و نفرت استفاده کرده و راسخانه ریشه‌ی هماهنگی مذهبی را بنا نهید.

من يك چیز را در طی زندگی‌ام انجام داده و آموزش داده‌ام و آن از بین بردن مرزها است. ما بایستی به ورای نژاد، مذهب و ملیت رفته و با یکدیگر زندگی کنیم. همگی ما اعضای يك خانواده‌ی جهانی هستیم که متمرکز بر خدا با قلبی برادرانه با یکدیگر زندگی می‌کنند. این موضوع نباید لفظی و فقط در حد يك حرف باقی بماند، درواقع ما باید اینچنین زندگی کنیم. خدا والاترین امید خود را بر دانشجویان دانشگاهی گذاشته است. ما باید به ورای موضوع تعلق داشتن به يك نژاد، زبان، مذهب، کشور و یا يك فرهنگ خاص برویم.

امروز من می‌خواهم آموزشی بسیار با ارزش را به شما تقدیم کنم. مردم، مخصوصاً جوانان، باید ارزش آلات عشق را بدرستی درک کرده و ارزشی والا برای آنها قائل شوند. آلات عشق در مقام اصیل‌شان، نقطه‌ی مرکزی عشق، زندگی و نسب خونی راستین هستند. میوه‌ی تکمیل شده‌ی عشق و همینطور شکل‌گیری يك زندگی تازه تنها از طریق آلات عشق امکان‌پذیر است. بدون بکارگیری این آلات، نسب خونی والدین نمی‌تواند به نسلهای بعدی منتقل گردد. به همین دلیل، آلات عشق مهمترین عضو بدن جسمی بشری هستند. اما متأسفانه در دنیای مدرن سقوط کرده، این آلات به

طرق مختلف مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند. این يك آلودگی جهانی است که محیط‌های اجتماعی و فرهنگی، مخصوصاً از طریق فیلم، موسیقی، روزنامه‌ها و مجلات، و اینترنت مردم را در جهت سوءاستفاده از آلات عشق‌شان فریب می‌دهند. جوانان به آسانی با موجهای روابط جنسی آزاد که کشورها را به فساد کشانده و خانواده‌ها را فروپاشیده، جاروب شده‌اند. این يك واقعیت غم‌انگیز است. اکنون زمان آن فرارسیده است تا رهبران مذهبی و دیگر رهبران باوجدان در حمایت از آنچه که درست است فریاد برآورده و هم صدا شوند.

در هر گام، ارزش خانواده باید بازیافته شده و استاندارد اخلاقی شایسته برای رابطه‌ی عشق بین مردان و زنان تاسیس شود. در اینجا است که ما می‌توانیم دلیل مراسم برکت ازدواج عشق راستین از طریق والدین راستین را درک کنیم و نهضت جوانان برای عشق پاک بگونه‌ای که به ورای کشورها و مذاهب برود، در سراسر دنیا می‌تواند گسترش یابد. معنای با ارزش مراسم برکت مقدس بین‌المللی بین‌المذهبی که سیزدهم ژوئیه برگزار خواهد شد در همینجا نهفته است.

من تمامی مردم را به شرکت در مراسم‌های برکت ازدواج در ورای ملیت، نژاد، فرهنگ و مذهب، تشویق کرده‌ام. مخصوصاً تبادل برکت ازدواج بین افراد از کشورهای دشمن را ترویج کرده‌ام. تا به این زمان، من کره‌ای‌ها و ژاپنی‌ها، سفید پوستان و سیاه پوستان آمریکا، مسلمانان و مسیحیان، اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها را به ازدواج یکدیگر درآورده‌ام. وقتیکه این تلاش جهانی شود، ببینید که چقدر مسیر نیل به صلح جهانی را کوتاه خواهد کرد. ما با اجرای عشق به دشمن خود، می‌توانیم مقام رهبری خود را مبرهن ساخته، تمامی مرزها را بین روح و جسممان فروریخته و دنیای صلح خدا را برپا کنیم، جاییکه در آن خلوص و فداکاری در عشق پیشکش می‌شوند.

رهبران محترم جهانی، ما مدت‌های مدید از سازمان ملل بعنوان تنها سازمان نماینده‌ی صلح یاد کرده‌ایم، اما با نگاه به تاریخ این سازمان در طی پنجاه و هشت سال گذشته و رشد آن از زمانی که تنها دارای پنجاه و سه عضو بود تا به این زمان که دارای صد و نود و یک عضو می‌باشد، متوجه می‌شویم که محیط درونی و بیرونی آن دستخوش تغییرات عظیمی شده است. سازمان ملل دارای عملکردهای مثبت بسیاری است اما اکنون چه از درون و چه از بیرون با موانع بزرگی روبرو شده است. مشکلات و محدودیتهای بسیاری وجود دارند از جمله موضوعات مربوط به شورای امنیت، بیطرفی بین کشورهای قدرتمند و ضعیف، موضوع قدرت اجرائی در تهمیل تحریمات اجباری، و موضوعات مربوط به بودجه.

سازمان ملل مخصوصاً در فعالیتهای خود، معنویت و اهمیت مذهب را نادیده گرفته است و بدینوسیله برای خود سرنوشتی شوم چون جسمی فاقد روح ساخته است. در این دنیای چند قطبی، سازمان ملل به جسمی فاقد روح مبدل شده و قادر نیست تا بطور موثری با مشکلاتی که دنیا با آن روبرو است، برخورد داشته باشد، و با از دست دادن بیطرفی خود در تجزیه و تحلیل مسائل دنیا به طرفداری از يك جناح در مقابل جناح دیگر پرداخته است. اگر سازمان ملل در همین مسیر ادامه بدهد، قادر نخواهد بود تا به هدف اولیه‌ی تاسیس آن نائل آید، و بدتر از آن حتی با این بحران روبرو خواهد شد که آیا باید ادامه دهد یا بالاجبار به حیاتش پایان دهد.

در سی سال گذشته، من با این امید و نگرانی به سازمان ملل چشم دوخته بودم که بتواند به يك سازمان صلح راستین دنیا مبدل شود و همچنین در طی چهار سال گذشته از هر موقعیتی برای تجدید حیات این سازمان استفاده کردم. نقشه‌ی من برای تجدید حیات سازمان ملل، تاسیس شورای بین‌المذهبی بعنوان يك ارگان برتر در درون ساختار این سازمان می‌باشد. خوشبختانه نمایندگان کشورهای فیلیپین و ایالات متحده‌ی آمریکا با حمایت تعدادی از کشورهای دیگر قصد دارند تا در پنجاه و هشتمین گردهمایی عمومی این سازمان در ماه سپتامبر دو هزار و سه طرح پیشنهادی برای تجدید حیات سازمان ملل را ارائه بدهند. من مطمئن هستم که کشورهای بسیاری حمایت خواهند کرد تا سازمان ملل بتواند به يك ساختار فعال متمرکز بر خدا مبدل شده و به ارمغان آورنده‌ی صلح راستین باشد.

پنج مقدس بزرگ و دیگر رهبران در دنیای روح، پیش از این اعلام کرده‌اند که همکاری خواهند کرد. نمایندگان شورای بین‌المذهبی که در درون ساختار سازمان ملل شکل خواهد گرفت، این فرصت را خواهند داشت تا ایده‌آلهای بلندپایه‌ای را به انجام برسانند که مؤسسين مذاهبشان در پی انجام آن بوده‌اند، اما آنها برای انجام این امر به شخصیت و بصیرتی براساس الگوی عشق راستین نیاز دارند. برای نیل به این امر، مذاهب باید راسخانه در مسیر ممارست برای دیگری متمرکز شوند. اگر مذهب قادر به انجام چنین چیزی نباشد، شورای بین‌المذهبی ارزشی نخواهد داشت. دنیای امروز به رهبران مذهبی نیاز دارد که به ورای تعصبات مذهبی، خودخواهی گروه مذهبی خود و فرقه گرائی رفته و عشق راستین را به اجرا درآورند.

وقایع دربرگیرنده‌ی فستیوال فرهنگی، مراسم برکت ازدواج بین‌المذهبی، فستیوال اخلاقی و صلح جوانان بین‌المذهبی، کنفرانس صلح جهانی، گردهمایی کارپ جهانی، خدمت برای صلح ... تمامی برای نیل به هدف صلح جهانی هستند. من همچنین پایه‌های جهانی در زمینه‌های آموزشی و هنری بوجود آورده‌ام. اینها و جام صلح شاهانه‌ی

سان مون که پانزدهم ژوئیه با شرکت کلویهای معروف جهانی آغاز خواهد شد، همه فعالیت‌هایی هستند که تاسیس یک دنیای صلح آمیز فرهنگ قلب را در نظر دارند. من باور دارم که در طی چند روز آینده، تحت نظر هوشیارانه‌ی دنیای روح و این دنیای جسمی، ما همگان را بطور آشکار وادار به مشاهده‌ی دیدگاه صلح ما، قصد و نیت ما، و رهبری ما خواهیم کرد. من باور دارم که ما الهام بخش تمامی مردم دنیا بوده و پیوندی قلبی عمومی را بوجود خواهیم آورد که پرورش دهنده‌ی یک پیام امید خواهد بود.

دعا می‌کنم که برکات خدا، شما، خانواده‌ی شما و دنیا را لبریز سازد.

متشکرم.